

## کارآمدی قاعده نفی سبیل در قانون اساسی با نگاهی به اندیشه امام خمینی(ره)<sup>۱</sup>

\* محمود اکبری

\*\* زهرا افراسیابی

\*\*\* عبدالواحد کریمی نژاد

علمی - پژوهشی

### چکیده

قانون اساسی مجموعه‌ای از قواعد حقوقی برتری است که سازماندهی قوای عمومی، وضعیت حقوقی حکومت‌کنندگان و روابط آنها با مردم و همچنین حدود روابط بین کشور و دیگر ملل را تعیین می‌کند. طبق قاعده عقلایی هیچ کشوری سلطه بیگانگان را بر نمی‌تابد. از کارآمدترین قواعد قاعده نفی سبیل است که تأثیر شگرفی بر نظام حقوقی ایران و قانون اساسی دارد. این قاعده اصول حاکم بر روابط مسلمین با کفار در عرصه‌ی بین الملل را تبیین می‌کند. لذا قوانین باید به گونه‌ای وضع شود که کفار بر مسلمانان تسلط نداشته باشند. امام خمینی (ره) کارآمدی این قاعده در تمامی روابط بین الملل ایران را واجب می‌دانستند. از آن‌جا که قانون اساسی ایران مولود اندیشه امام خمینی(ره) و تبلور عینی نگرش سیاسی و فقهی ایشان است سزاوار است که این قاعده در اندیشه امام خمینی (ره) و قانون اساسی بررسی شود تا در دو عرصه عملی و تئوری تأثیر این قاعده بنیادین مبرهن گردد. ایشان با توجه به این قاعده، روابط بین الملل ایران با دیگر کشورها، با توجه به اسلامی بودن و کشورهای دارای سیاست استعمارگرانه قائل به تفصیل شده اند.

**کلید واژه‌ها:** امام خمینی (ره)، سلطه، قاعده نفی سبیل، قانون اساسی، کارآمدی

---

\* استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران.

m.akbari@abru.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری، گروه تعلیم و تربیت، گرایش مدیریت آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام

afraasyabi.۱۳۶۲@gmail.com

حسین(ع) تهران، ایران(نویسنده مسؤول)

\*\*\* استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران

akaraminejad@yahoo.com

## ۱- مقدمه

با پیشرفت جوامع بشری و ارتباطات گسترده جامعه جهانی، ایجاد ارتباط با دیگر ملل اجتناب ناپذیر است ولی این لزوم به افسار گسیختگی و هر نوع ارتباط جهانی بین ملل مسلمان با دیگر دولت ها نمی انجامد چرا که بر قوانین اسلامی در حوزه داخلی و عرصه بین المللی، احکام شرعی ناظر است. فقه نگاه وسیع و همه جانبه‌ای به انسان در عرصه‌ی عمل دارد که روش بندگی خداوند و کیفیت تعامل فرد با دیگران برای رسیدن به بالاترین درجات حیاتی را طراحی و برای زندگی بشر برنامه ریزی و مدیریت می کند. قواعد فقهی جایگاه ارزش‌مندی در پژوهش‌های فقهی و حقوقی دارند و این قواعد نقش مهمی در فرایند استخراج حکم شرعی دارند. یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین قواعد و احکام فقهی که در عرصه‌های مختلف روابط داخلی و خارجی مسلمانان، قاعده‌ی نفی سبیل است که ضامن استقلال و عدم سلطه اجانب بر دول اسلامی است. گروهی از سیاستمداران با نگاهی سلبی، عدم کاربرد این قاعده مهم را لازم می‌دانند چرا که معتقدند زندگی بدون ارتباط با دیگر ملل جهانی اگر غیر ممکن نباشد بسیار سخت، دشوار و دور از ذهن است از طرفی بخاطر گرایش به اصول مذهبی برای توجیه نظریه خود، آیه را توجیه و تفسیر به زمان سابق کرده اند. امام خمینی (ره) به عنوان اولین کسی که بعد از دوران کوتاه حکومت ائمه توانست فقه حکومت اسلامی را از صفحات کتاب خارج کرده و حکومتی اسلامی - شیعی تأسیس کند. ایشان با دیدگاه ایجابی قاعده نفی سبیل را لازم الاجرا میدانستند. و همواره در طی دوران حکومت و مبارزه، عدم وابستگی به دول بیگانه را سر لوحه کار خود قرار دادند.

## ۲- مفاد قاعده نفی سبیل

" قاعده" در لغت به معنای بنیان، اساس و پایه برای چیزی است که، در بالای آن قرار می‌گیرد. (راغب الاصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳/۳۵۷؛ قیومی، ۱۴۱۸، ۲۶۳) در تبیین و تعریف "قاعده‌ی فقهی" میان فقها، اختلاف عقیده وجود دارد؛ اگرچه، تفاوت‌چندانی در محتوای تعبیرشان، به چشم نمی‌خورد؛ برخی از فقهای معاصر براین باور هستند: قاعده‌ی فقهی، دستورهای کلی فقهی هستند که، در ابواب گوناگون فقه کاربرد دارند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱/۱۷) قاعده فقهی قاعده‌ای است که حکم شرعی فراگیر را دربردارد که با تطبیق آن قاعده، احکام شرعی جزئی حاصل می‌شوند که مصداق- های آن حکم فراگیر به شمار می‌آیند. (ایروانی، ۱۴۱۸، ج ۱/۱۳) «قاعده‌ی فقهی، فرمولی بسیار کلی است

مضمون و محتوای قاعده‌ی نفی سبیل را باید در میان ادله‌ی اثبات آن یافت که، بیشترین معنای این قاعده از آیه‌ی شریفه‌ی «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود» دریافت شده است. (بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۱/ ۱۸۵) مقصود از نفی سبیل، بسته شدن راه سلطه کفار بر مسلمانان است. در قوانین اسلام هر گونه سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کافر بر مسلمان بسته شده و هیچ حکمی وضع نشده است که موجب تسلط کافر بر مسلمان شود.

در عالم تشریع خداوند هیچ حکمی را که در آن حکم، برای کافرین نسبت به مؤمنین عنوان تسلط و قدرت و مزیت و برتری و آمریت و نفوذ و هیمنه و استیلاء باشد جعل نکرده است؛ بلکه در هر کجا که امکان نفوذ کافر بر مؤمن وجود دارد جلوگیری کرده و مسدود نموده است. در آیه سبیل را بصورت نکره در سیاق نفی «سَبِيلًا» فرموده است که إفاده عموم می‌کند: «أبداً خداوند هیچ سبیل را بصورت نکره در سیاق نفی «سَبِيلًا» فرموده است که إفاده عموم می‌کند: «أبداً خداوند هیچ سبیلی برای کافرین نسبت به مؤمنین قرار نداده است!» گرچه آن یک سبیل مختصر و راه سلطه جزئی و تفوق فی الجمله باشد. بنابراین، هر قانونی که موجب پیدایش سبیلی برای کافر نسبت به مؤمن باشد، به حکم این آیه مطرود و منتفی است. شاهدآن که، در بسیاری از روایات وارد است: أئمه علیهم السّلام هنگامی که حکمی را بیان می‌کنند که حاوی عدم تسلط و قدرت کافران نسبت به مسلمین است، استشهاد به آیه: وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا می‌کنند. (تهرانی، ۱۴۱۶: ج ۳/۱۱۰).

در رابطه با ملاک نفی سییل می توان گفت روابط متقابل مسلمانان با کفار مبتنی بر یک ملاک ثابت است و آن نفی نفوذ و سلطه کفر است؛ یعنی هرگاه ایجاد ارتباط با کفار، همراه با نوعی نفوذ در جامعه اسلامی شود، ممنوع است. از این رو اگر برخی از قراردادهای همکاریها، زمینه را برای استیلای فکری، فرهنگی و سیاسی کفار بر مسلمانان فراهم آورد، ارزش عملی ندارد و باید لغو شود. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: اگر روابط سیاسی دولت اسلامی با بیگانگان موجب استیلای آنان بر

بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد، بر رؤسای دولت‌ها حرام است که چنین روابط و مناسباتی داشته باشند؛ و پیمان‌هایشان باطل است. و بر مسلمین واجب است آن‌ها را ارشاد کنند و آنان را و لو با مقاومت منفی، به ترک اینگونه روابط ملزم نمایند. (خمینی، بی تا، ج ۱/۴۸۶). بنابراین براساس قاعده نفی سبیل می‌توان گفت که انعقاد هر گونه پیمان، قرارداد و همکاری با کافران که موجب سلطهٔ آنان بر مسلمانان شود، حرام و نامشروع و باطل است.

در مورد مفاد آیه بین فقها، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی سلطه ی اعتباری و تشریعی را منظور آیه دانسته و چنین گفته اند که معنای سبیل تسلط است و شارع مقدس، در عالم تشریع، حکمی را که موجب سبیل و سلطه کفار بر مؤمنین باشد، قرار نداده است و نفی کرده است. (اردبیلی، ۱۳۷۱، ج ۲/۵۵۷؛ مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲/۳۵۶-۳۵۷؛ بجنوردی، ۱۳۱۶، ج ۱/۱۱۷؛ لنکرانی، ۱۱۱۹، ج ۱/۲۳۹) عده ای از مفسرین و فقها مقصود از نفی سبیل را، فقط نفی حجت در قیامت می‌دانند (طبرسی، بی تا: ج ۷/۳۱۶؛ انصاری ۱۱۱۱، ج ۳/۵۱۱؛ توحیدی، ۱۱۱۷، ج ۵/۱۵) بعضی از مفسرین سلطه ی خارجی و تکوینی می‌دانند و گفته اند در عالم خارج سلطه و غلبه ای بر مسلمانان وجود ندارد؛ البته تا زمانی که مسلمانان ملترزم به ایمان خود و لوازم آن باشند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۵/۱۱۶)

### ۳- مستندات قاعده

برای اثبات قاعده نفی سبیل به دلایلی اعم از: آیات قرآن کریم (نساء ۱۴۱)، حدیث "الاسلام یعلو و لا یعلی علیه" (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶/۱۲۶)، اجماع فقهای اسلام، دلیل عقلی، تسالم فقها و مناسبت حکم و موضوع استناد نموده اند. فقها دلایل گسترده ای برای تبیین قاعده ی نفی سبیل آورده اند تا اعتبار و متقن بودن قاعده مشخص شود. (مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲/۳۵۲؛ بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱/۲۶۲؛ بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱/۳۴۹-۳۵۸؛ لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱/۲۵۲). همچنین در سایر کتب فقهی اجماع محصل و اجماع منقول و همچنین اعتبار عقلی در تبیین قاعده نقش مهمی دارند (بجنوردی، ۱۴۱۱، ج ۱/۲۹۵ و ۲۹۹)

در اینجا برای پرهیز از اطاله از بیان ادله به طور کامل خودداری شده و فقط به اشاره ای کوتاه بسنده می‌شود. چرا که از بحث اصلی این نوشتار خارج بوده و در کتابهای قواعد فقهی و مقالات دیگر ادله و مستندات این قاعده مورد بحث و بررسی واقع شده اند.

### الف- آیه

از منابع اصلی این قاعده قرآن کریم است؛ در آیه ۱۴۱ سوره نساء آمده است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا وَخَدَّاعُونَ هِيَ لِمَنْ هِيَ كَأَنَّ كَيْدَ الْفِتْرِ فَتَاهُ أُولَٰئِكَ يَشْرُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَفِظَ اللَّهُ لَكُمُ الْفِتْرَ يَكْفُرُونَ» . براساس این آیه در عالم تشریع هیچ‌گونه حکمی که موجب سبیل، علو و سلطنت کفار بر مؤمنین و مسلمانان باشد، نه تنها وجود ندارد، بلکه تشریع و جعل نیز نشده است. در تمامی امور اعم از عقود، ایقاعات و غیر ذلک که، بین کافران و مسلمانان واقع می‌شود، در روابط فردی و اجتماعی، چه در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی، کفار نمی‌توانند بر مسلمانان سلطه داشته باشند؛ بنابراین، هر توافقی بر خلاف آن، باطل و کأن لم یکن محسوب می‌شود. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱/۲۶۰ و ۲۶۶ و ۲۶۷). نحوه دلالت این آیه کریمه بدین صورت است که پروردگار متعال به صورت عام هرگونه تسلط کافر برمسلمان را نفی و رد نموده است و بیان می‌کند که هیچ گونه راهی جهت تسلط کافر بر مسلمانان از جانب خداوند قرار داده نشده است و هریک از امور قبلی که راهی برای سلطه کافر برمسلمان باشد باطل است و آنچه که خداوند وضع نکرده باشد باطل است زیرا امر صحیح آن است که خداوند امضا نموده و بدان راضی باشد. (مراغی، ۱۳۹۲، ج ۲/۲۰۸)

## ب- روایت

روایتی که نزد فقها چنان مشهور است که ما را بی نیاز از سند آن می‌سازد حدیث نبوی که می‌فرماید: "الاسلام یعلو و لا یعلی علیه: اسلام، برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد. (عاملی، ۱۴۰۲، ج ۱۷/۳۷۶)" است. اگر گفته شود دلالت روایت بر نفی سلطه کفار بر مسلمانان را از فهم و استنباط فقها، کشف می‌شود از آنجا که بین آنها اختلافی نیست این استنباط از روایت مهمترین دلیل فقهی است اما اگر صرف نظر از برداشت فقیهان، بر اساس دلالت ادبی و واژگانی به روایت استناد گردد قابل مناقشه است زیرا متعلق روایت حذف شده است (یعنی مشخص نشده است اسلام بر چه چیزی برتری دارد؟ پس یا منظور روایت این است که اسلام بر هر چیزی اعم از کفر و یا واسطه میان کفر و اسلام برتری دارد اگر قائل به واسطه باشیم. یا اینکه کفر در معنای خاص آن مدنظر است که به وسیله قرینه مقابله فهمیده می‌شود. پس در نتیجه مراد روایت این است که اسلام بالاتر و مسلط بر کفر است، پس بالاتر بودن اسلام متضمن انحطاط کفر (و پایین بودن آن) است (مراغی، ۱۳۹۲، ۲۰۰). فقها دلایل گسترده‌ای برای تبیین قاعده‌ی نفی سبیل آورده‌اند تا اعتبار و متقن بودن قاعده مشخص شود. در مستندات قاعده<sup>۷</sup>ی نفی سبیل، علاوه بر کتاب به دلایل دیگری مانند: حدیث، تسالم فقها و

اجماع نیز استناد شده است. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱/ ۲۶۵ و ۲۶۶) همچنین در سایر کتب اجماع محصل و اجماع منقول و همچنین اعتبار عقلی در تبیین قاعده نقش مهمی دارند.

#### ۴- دیدگاه مخالفان

در مقابل گروهی این قاعده را در تضاد با فهم عمومی جامعه بشری از مقوله عدالت و صلح می‌دانند و مغاد این قاعده مثل تفاوت در دیه و یا عدم قصاص قاتل مسلمان برای قتل غیر مسلمان یا تفاوت در جایگاه نشستن در محکمه قضاوت را مصداق بی‌عدالتی می‌دانند. عدالتی که اسلام برای اقامه آن بهای سنگینی مثل شهادت بزرگان دین پرداخته است و مراد از جعل را جعل تشریعی می‌دانند به این معنا که خداوند در عالم تشریع، حکمی که موجب سبیل و سلطه کفار بر مسلمانان باشد قرار نداده است (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱/ ۱۸۸) از طرفی لازمه تحقق چنین جامعه‌ای که با دیگر ممالک تعاملی نداشته باشد انزوا طلبی را در پی خواهد داشت یعنی برطبق این نظریه حکومت از هرگونه ارتباط با دیگر جوامع خودداری می‌کند و باید این حکومت از لحاظ اقتصاد و فرهنگ کاملاً بی‌نیاز باشد و افراد از سطح بالایی امکانات رفاهی برخوردار باشند که عملاً در جهان امروزی بسیار سخت و حتی غیر ممکن می‌نماید. پس هر حکومتی ناچار است با جهان در تعامل باشد و داد و ستدهایی را داشته باشد. گروهی با فرض اینکه قاعده به شدت تابع زمان و مکان و ظرفیت‌هاست اجرای آن را در زمان حال خالی از اشکال نمی‌دانند و یا اینکه می‌شود قواعد را تخصیص پذیر دانست پس امروزه میتوان با نظر کارشناسی قاعده را نادیده گرفت. (رک، جعفری هرنندی، بی تا: ۶۵؛ احمدوند، قبولی، فخعلی ۱۳۹۵، ۱۲۳ تا ۱۵۱).

برخی مفسران مراد از سبیل نفی شده در آیه را به قرینه فراز قبل که می‌فرماید «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» حجت را در روز قیامت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۳ و ۴/ ۱۹۶؛ شیخ طوسی، ج ۳/ ۳۶۴) و از این نظر به روایت امام علی (ع) استناد کرده‌اند که در پاسخ به شخصی در مورد آیه فرمودند که خداوند در روز قیامت داور می‌نماید آنان در قیامت بر شما تسلط ندارند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳/ ۴) در پاسخ به این تفسیر می‌توان چنین بیان کرد که تردیدی نیست که تفسیر امام در بیان برخی از مصادیق که متفاهم عرفی است با عمومیت مراد منافاتی ندارد و سبب نمی‌شود تا از ظهور لفظ خارج شده و مورد توجه قرار نگیرد به عبارت دیگر، روایت دال بر برخی مصادیق است نه این که ظهور را تخصیص زده و عموم قابل استناد نباشد.

از طرفی نمی‌توان صراحت آیه و روایات دال بر قاعده را در نظر نداشت گروه دیگری از اندیشمندان سلطه را به تفسیر دینی محدود کرده اند آنان بر این باورند که این آیه در ظرف زمان نمودش متفاوت می‌شود به طور مثال در دوره ای از تاریخ ساختن دیوار بلند خانه نشانه تسلط بوده است ولی در زمان کنونی چنین چیزی معنای برتری نمی دهد و یا در مورد تسلط مرد بر زن در نکاح می توان با شرایط ضمن عقد این تسلط مرد را برداشت. بر هر کدام از این نظریات ایراداتی وارد است و آنان نیز پاسخ داده اند که ارایه همه آنها در این مبحث نمی‌گنجد

### ۵- روش و رویکرد فقهی امام خمینی در رابطه با مفاد قاعده نفی سبیل

در دیدگاه امام خمینی (ره) اصل نفی سبیل بیانگر این واقعیت است که روابط بین الملل در اسلام بر اساس اصل « لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ » (بقره ۲۷۹) است. « ما نه ظلم خواهیم کرد و نه مظلوم واقع خواهیم شد. ( امام خمینی (ره) ۱۳۸۵، ج ۱۴ / ۸۵)

### ۵-۱ نظریه فقها در مورد لزوم قاعده نفی سبیل

قبل از بررسی مبنای مدنظر امام خمینی (ره) در مورد معنا و مفاد قاعده نفی سبیل، خیلی مختصر به نظرات پیشین اشاره خواهد شد تا تفاوت دیدگاه امام خمینی (ره) با سایر فقها مشخص شود: همان‌طور که عنوان شد در مورد مفاد آیه بین فقها، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی سلطه‌ی اعتباری و تشریعی را پذیرفته و چنین گفته اند که معنای سبیل تسلط است و شارع مقدس، در عالم تشریع، حکمی را که موجب سبیل و سلطه کفار بر مؤمنین باشد، قرار نداده است و نفی کرده است. (مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲/ ۳۵۷-۳۵۹؛ بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۱/ ۱۸۷؛ لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱/ ۲۳۶) عده‌ای از مفسرین و فقها مقصود از نفی سبیل را، فقط نفی حجت در قیامت می‌دانند (طبرسی، بی تا، ج ۳/ ۱۹۷؛ انصاری ۱۴۱۸، ج ۳/ ۵۸۴؛ توحیدی، ۱۴۱۷، ج ۵/ ۸۵).

عده ای از فقها نیز عدم صحت هر معاده‌ی منجر به تسلط را از این آیه استنباط نموده اند از جمله آیت الله خامنه ای ضمن بیاناتی به دلالت آیه و لزوم آن تصریح داشته و دارند ایشان هرگونه شرطی در ضمن هدنه که مسلمانان را در حالت انفعال و خطر پذیری و چشم به راه خطر داشتن، قرار دهد و به کافران ابتکار عمل و چیرگی بخشد را جایز ندانسته و برای حکم به عدم جواز آن به آیه ۱۴۱ سوره نساء استناد می کنند که خداوند هرگز برای کفار بر ضد مؤمنان راهی قرار نداده است ایشان حتی پیش قدمی مسلمانان در صلح هدنه را نیز اگر مایه خواری آنان و بی عزتی و کسر شوکتشان شود را جایز نمی داند

( خامنه ای ، ۱۳۸۸ ، درس خارج فقه ، کتاب جهاد )همچنین در بحث عزت نیز ایشان به همین آیه استناد کرده و در بحث سیاست خارجی در معنای عزت و استقلال بر لزوم آن تأکید دارند.(خامنه ای ، بیانات ۱۳۷۰ ، حدیث ولایت )

از دیگر علمایی که بر حفظ بیضه الاسلام و عدم تسلط کفار تأکید داشت به ملاآخوندخراسانی می‌توان اشاره داشت ایشان در جواب استفتای مردم استر آباد تسلط کفار بر مسلمین را مورد نقد قرار داده و ادامه این تسلط را مقدمه از دست رفتن مملکت اسلامی و زوال اسلام و استقلال مملکت عنوان می‌کند و در حکم ارتداد میرزا علی اصغر خان اتابک صدر اعظم با اشاره به همین فاجعه تسلط به آیه مورد بحث اشاره می‌نماید(خراسانی ، بی تا ، ج ۳ / ۳۲۱ و ۳۲۲ ) ایشان در مجموعه تلگراف‌ها و استفتائات خود همواره بر عدم نفی سلطه کفار در هر غالبی توصیه و تأکید فراوان داشتند.

این قاعده در آثار فقهی عالم بزرگ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (ره) به نحو چشمگیری بازتاب یافته است بر طبق اندیشه ایشان در حوزه فقه اقتصادی و فقه سیاسی باید نهایت اهتمام صورت گیرد تا زمینه وابستگی و در امتداد آن سلطه کفار ایجاد نشود و محور آن در فقه اقتصادی توجه به رونق تولید ملی و استفاده از کالاهای داخلی است با اینکه ایشان در مورد احتمال راحج در حدیث اظهار نظری ندارند ولی اصل اعتبار قاعده مورد بحث بر اساس آیه نفی سبیل از نظر مرحوم از مسلمات است از این رو در آرای فقهی خود به صراحت به قاعده نفی سبیل و آیه شریف استدلال می‌کنند « فی شرائط قاضی ..... البلوغ والعقل .... الاسلام و الايمان للاجماع ..... و قوله تعالى و لن يجعل الله ..... ( و الاخبار المتواتره المانعه من الرجوع الى غير المومن في رفع النزاع » ( طباطبایی یزدی ، ۱۴۱۴ق، ج ۲ / ۱۸۵) استدلال ایشان در مشی امور سیاسی و استقلال و جهاد مسلمانان در برابر سلطه و تجاوز کفار حاکی از التزام عملی ایشان به قاعده نفی سبیل است.

در تفسیر المیزان نیز آیت الله محمد حسین طباطبایی عدم سبیل و سلطه در دنیا و آخرت از سوی کفار مادامی است که مؤمنان ملتزم به لوازم ایمان خود باشند همچنان که در آیه دیگر این وعده صریحا داده شده اسوت « لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » (آل عمران / ۱۳۹) در واقع مواردی که مسلمانان در مقابل کفار شکست می‌خورند و کفار در جنگ نظامی، فرهنگی و یا اقتصادی و .... غلبه می‌کنند علت را باید در عدم اتحاد ، کم کاری ، تبلی و عدم انجام وظایف از سوی مسلمانان و دولت های اسلامی دانست چون سنت خدا ثابت است و اگر مسلمانان همانگونه که خداوند و پیامبر (ص)



دستور داده است عمل نمایند هیچ گاه مغلوب نمیشود در هر حال دلالت آیه تمام است و هر حکم و عملی که موجب تسلط و نفوذ کفار بر مسلمانان شود بر اساس آیه شریف از نظر شریعت ممنوع و مردود است (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۵/ ۱۱۶)

در تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی بر لزوم و وجوب آیه تاکید دارد «هیچ گاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است» یعنی کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. و اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدانهای مختلف با چشم خود می بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه علم و آگاهی لازم که اسلام آن را از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است دارند، و چون چنانند چنین‌اند؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۴/ ۴۵۶)

### ۳-۵ دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) سبیل در یکی از معانی بیان شده را، کامل نمی دانند و همه ی معانی سبیل اعم از: غلبه و نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه‌ی اعتباری، و سلطه‌ی خارجی از آیه ی شریف استنباط می‌شود. برای این سخن از دلایلی مانند: عقل، قرآن و ولایت ائمه ی اطهار (ع) استفاده می- کنند. خداوند هرگونه عملی را اعم از تکوینی و یا تشریعی که موجب یاری رساندن به کافران باشد و یا غلبه فکری و فرهنگی آنان را در دنیا و یا غلبه و برتری استدلال و برهان آنها را در آخرت و یا سلطه و حاکمیت اعتباری و یا فیزیکی و تکوینی آنان را در پی داشته باشد، نفی کرده است، پس مستفاد از آیه این است که اراده تکوینی و تشریعی الهی بر این تحقق گرفته است که راه نفوذ و سلطه کافران بر مسلمانان، در هر شکل و مصداقی اعم از خارجی و تکوینی و یامعنوی و فرهنگی و اعتباری، مسدود شود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲/ ۷۲۴ و ۷۲۵)

مرحوم امام (ره) این اصل را از اصول مهم اسلامی دانسته که دارای جنبه‌ی سیاسی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲/ ۷۲۵). طبق دیدگاه امام خمینی (ره)، با صرف نظر از ابتدای آیه، سبیل به معنای نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی می‌باشد و ادعای اینکه سبیل در یکی از این معانی به کار رفته است ناتمام می‌باشد، بلکه آنچه در آیه آمده، به نفی معنای عام است و هر یک از این موارد می‌تواند مصداق آن باشد. فلذا مراد از سبیل در آیه، مطلق نفی سبیل است و خداوند

متعال به طور مطلق در عالم تکوین، تشریع و مقام احتجاج، طریقی بر کافران علیه مؤمنین قرار نداده است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹ش، ج ۲/۷۲۵) و اگر پیروزی کافران را بر مسلمانان در موارد مختلف مشاهده می کنیم به خاطر این است که متأسفانه بسیاری از مسلمانان و مومنان، وظائف، مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را انجام نمی‌دهند.

نکته حائز اهمیت این که رویکرد امام خمینی (ره) بیشتر جنبه عقلانی دارد و از نقل تنها به عنوان مؤید نظریه خودشان استفاده کرده‌اند لکن ایشان همواره اسلام محوری را در رأس نظریات خود داشته‌اند لذا همیشه برای هراسی چه در حوزه فقه و چه عرفان تأکید حداکثری برای پیشبرد و تعالی انسان در محور اسلام بوده‌اند و اینکه بر مبانی اسلام تکیه کرده دلیل بر نقل گرایی ایشان نیست بلکه هدف این است که آیه نفی سبیل چون دیگر آیات قرآن در مکان و زمان خاصی محصور نیست و این قاعده در خلاف فهم عمومی بشر از روابط حسنه بین المللی نمی باشد .

از لحاظ روش شناسی فهم سیاسی این قاعده را می‌توان به وسیله "روش بحران" تحلیل کرد. در روش بحران ابتدا بررسی می‌شود تفکر اجتماعی و معطل چیست و در مرحله بعد به بررسی و کشف علل یا عوامل مشکل پرداخته ترسیم جامعه مطلوب را نمایان میکند و سپس به شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب اشاره می‌شود (رک ، نجف لکزایی ، ۱۳۸۹ ، ۸۱) پدیده‌های اجتماعی با علت و زمینه واحدی به وجود نمی‌آیند و برای بررسی و شناخت آن باید علل و عوامل متعددی را شناسایی کرد (رجاء ، ۱۳۹۰ ، ۴۸). امام خمینی (ره) پس از مشاهده وضع موجود پس از تصویب کاپیتولاسیون و یا ظلم به مردم مظلوم فلسطین ، با بیان سلطه و استعمار مستکبران به روشنگری پرداختند و در مرحله بعد عمل نکردن به قواعد اسلامی ، از جمله قاعده نفی سبیل را علت به وجود آمدن شرایط موجود می دانستند و با ترسیم امت واحده اسلامی و خصوصیات آن جامعه آرمانی را به مسلمانان نمایاندند . ایشان شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب را در نفی سلطه پذیری از هر نیروی شرق و غرب سلطه پذیر دانستند.

نتیجه این که روش فقهی امام خمینی (ره) عقلی بوده و از نقل به عنوان مؤید استفاده کردند به لحاظ فهم سیاسی از الگوی بحران تحلیلی برای وجوب قاعده استفاده کردند.

#### ۴-۵ فتوای امام خمینی در تحریر الوسیله براساس نفی سبیل

مرحوم امام خمینی (ره) بر مبنای فقهی که در کتاب بیع در رابطه با قاعده نفی سبیل اتخاذ کرده

(خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲/ ۷۲۱ و ۷۲۵) در کتاب تحریر الوسیله موارد تطبیق این قاعده را می‌آورد، به طوری که در اکثر ابواب فقهی مثل معاملات و نکاح، ولایات و غیر آن جاری ساخته است. در اینجا به نمونه‌ای از این موارد به کلی اشاره می‌کنیم :

الف) اگر مسلمین از طرف کفار در خطر استیلای سیاسی و اقتصادی قرار بگیرند به طوری که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی آنان گردد و یا منتهی به وهن اسلام و مسلمین باشد، دفاع بر همه مسلمین واجد شرایط واجب می‌گردد و باید با وسایل مشابه و مقاومت منفی از قبیل نخریدن و مصرف نکردن کالاهای آنان و خودداری از روابط و رفت و آمد و هر نوع معامله با آنها در جهت دفع این خطر مبارزه نمایند .

ب) اگر روابط تجاری با کفار موجب نفوذ و استیلای سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی بر مسلمین گردد و نهایتاً زمینه استعمار بر آنان را فراهم آورد بر همه مسلمین واجب است که از چنین روابط و قراردادهایی اجتناب ورزند.

ج) روابط سیاسی و مراوده‌ها و قراردادهای نظامی با کفار اگر موجب استیلای سیاسی و نظامی و تعهدات دست و پاگیری که منجر به استعمار و اسارت مسلمین می‌گردد باشد، حرام و کلیه این قراردادها باطل و فاقد اعتبار قانونی است و بر همه مسلمانان واجب است در ارشاد رؤسای مسلمین که تن به چنین قراردادهایی داده‌اند بکوشند و با مقاومت منفی در برابر آن بایستند و مبارزه کنند.

د) آن عده از مقامات و شخصیت‌های دولتی که در کشورهای اسلامی به صورت عامل نفوذ بیگانگان و یا در خدمت آنان قرار می‌گیرند و وسیله نفوذ و استیلای آنان بر مسلمین می‌گردند و یا برای استیلای آینده جبهه کفر و استکبار زمینه‌سازی می‌کنند در هر موقعیت و وضعی که باشند از مقام خود معزول هستند و بر همه مسلمین واجب است که با آنها مبارزه کنند و در مجازاتشان بکوشند. (خمینی، بی‌تا، ج ۱/ ۴۸۵-۴۸۷)

ه) واگذاری مسؤولیت‌های کلیدی به کفار، همانند مدیریت مراکز فرهنگی، تربیتی، درمانی و مالی ممنوع است؛ زیرا ارتباط پیوسته دانشجویان، بیماران و معلمان با افراد کافر سبب برتری و نفوذ تدریجی آنان بر مسلمانان خواهد شد. نه تنها کفار حق‌پذیرش هیچ مسؤولیتی را ندارند، بلکه آن دسته از مسؤولان مسلمان نیز که به نفع کفار کار می‌کنند و راه تسلط کفار بر مسلمانان را هموار می‌نمایند، در ردیف کافران جای می‌گیرند و نباید در چنین مسؤولیت‌هایی بمانند. (نظرپور و وفا ۱۳۸۲، ۶۱، حضرت امام

خمینی (ره) در این باره چنین فتوا می‌دهد:

اگر بعضی از رؤسای دولت‌های اسلامی یا نمایندگان دو مجلس [سنا و ملی] موجب نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر کشور اسلامی گردند، به حدی که حوزه اسلام یا استقلال مملکت - گرچه در آینده - مورد تهدید قرار گیرد چنین افرادی خائن‌اند و باید از مقام خود عزل شوند - هر مقامی که باشد - و بر امت اسلامی است که آنان را از هر راه ممکن مجازات کنند اگر چه با مبارزه منفی همچون ترک معاشرت با آن‌ها و کناره‌جویی از آنان باشد همچنین باید در اخراج آن‌ها از همه امور سیاسی و محروم ساختن از حقوق اجتماعی‌شان بکوشند. (خمینی، بی تا، ج ۱/ ۴۴۶)

## ۶- قاعده نفی سبیل در سیره عملی امام خمینی (ره)

### ۱-۶- کاپیتولاسیون

حادثه تاریخی که به شکل مستقیم با این قاعده مرتبط است، «کاپیتولاسیون» است. طبق «کاپیتولاسیون»، اتباع بیگانه از شمول قوانین جزایی و مدنی در قلمرو کشور میزبان، مستثنا بوده و رسیدگی به دعاوی حقوقی و جرایم آنها در دادگاه‌های مخصوص و یا محاکم مختلط یا با حضور کنسول خارجی انجام می‌گیرد. تصویب «کاپیتولاسیون» که معنای رسمیت یافتن استعمار آمریکایی در ایران بود و تسلط کفار را بر مسلمانان ایران تثبیت می‌کرد. مخالفت حضرت امام (قدس سره) با «کاپیتولاسیون» به تبعید ایشان به ترکیه و سپس به عراق منجر شد. مطلع اعلامیه ایشان در این خصوص، چنین است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟... برحسب این رأی، اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار آمریکایی به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت، به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هر جسارتی بکند، هر جنایتی بنماید پلیس حق بازداشت او را ندارد... اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین [مصونیت قضایی اتباع آمریکا در ایران] مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد. (ایزدی، ۱۳۸۲، ۷۶).

تصویب این لایحه - که از نظر امام خمینی (ره) تیر خلاص به استقلال نیم بند ایران بود - در شرایطی انجام شد که رژیم همه مخالفان را سرکوب کرده و احادی یارای مخالفت نداشت. در این زمان، امام خمینی (ره) بار دیگر به پا خواست و در سخنرانی شدیدالحنی در تاریخ ۱۳۴۳/۸/۴ به انتقاد از کاپیتولاسیون پرداخت. سخنرانی امام با این جملات آغاز شد: «عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از

بین رفت . عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند ..... آقا من اعلام خطر می‌کنم ! اس سیاسیون ایران من اعلام خطر می‌کنم . ... والله گناهکار است کسی که داد نزنند ! والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند ! ای سران اسلام به داد اسلام برسید . ای علما به داد اسلام برسید . « (فوزی، ۱۳۸۸، ۵۰).

این فتوا و امثال آن نویدبخش انقلاب و حکومت اسلامی گردید و سرانجام به شکست دولت ستم‌کار آمریکا و به دنبال آن انقلاب اسلامی و تاسیس جمهور اسلامی ایران انجامید .

## ۲-۶- حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل

از مهمترین اختلافات سیاسی امام خمینی (ره) با محمدرضا پهلوی رابطه دیپلماتیک دوستانه دولت پهلوی با صهیونیست بود و خارج از مرزهای جغرافیایی ، مهمترین دغدغه فکری امام خمینی (ره) آزادی بیت‌المقدس و نجات مردم مظلوم فلسطین بود . حمایت امام خمینی (ره) از فلسطین حاکی از این است که ایشان عدم سلطه کفار بر مسلمانان را مختص حکومت داخلی هر کشور ندانسته و نسبت به همه جهان اسلام احساس مسئولیت می‌کردند و لزوم اجرای این قاعده را تنها مختص ایران نمی‌دانستند بلکه اگر کشور دیگری نیز مورد استیلاء کفار قرار گیرد باید حمایت‌شود . ایشان در سخنرانی مورخه ۵۸/۱۱/۲۲ فرمودند : « ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم اسرائیل این جرثومه فساد همیشه پایگاه امریکا بوده است من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده‌ام . باید همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم (داستانی بیرکی، ۱۳۷۸، ۹۸) همچنین فرمودند : « ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم .... زیرا اسلام پشتیبان تمام مستضعفان جهان است . » (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ج ۱۲ / ۲۰۲)

و جوب کمک به فلسطین از آنجایی نشأت می‌گیرد که تحت سلطه بودن مسلمان را شارع نمی‌پذیرد و امام خمینی (ره) با استفاده از الفاظی مثل مبارزه تا آزادی قدس، همگامی ایران با فلسطین، طرفداری از مظلوم دفاع از حق و حقیقت و... این وجوب را گوشزد نموده اند . و بی تفاوتی دولتهای اسلامی را تخطی از فریضه الهی و انسانی بیان کرده و سکوت سران کشورهای عربی را حاصل نوطئه اسرائیل می‌دانستند ( ر.ک داستانی بیرکی، ۱۳۷۸، ۸۰ تا ۱۰۵ ) .

در سال ۱۳۲۶ ایران از جمله کشورهایی بود که در سازمان ملل به اشغال فلسطین توسط اسرائیل واکنش نشان داده و بر مخالفت خود با این موضوع تأکیدداشت ولی پس از گذشت مدت زمان کوتاه ، ایران بعد از ترکیه ، دومین کشور با جمعیت اکثریت مسلمان بود که کشور اسرائیل را به رسمیت

شناخت. پس از پیروزی انقلاب در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) در اولین موضع گیری رسمی خود، طی اعلامیه ای دستور اخراج ۳۲ کارمند اسرائیلی شعبه هواپیمایی، از ایران را صادر کرد و خواستار قطع روابط ایران و اسرائیل شد (انتشارات مرکز انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰). در جریان قاعده نفی سبیل یک طرف مسئله متوجه دولت مظلوم و حمایت از آن و طرف دیگر متوجه کشور متخاصم است. برطبق آموزه های دین اسلام همواره مبارزه با ظلم و فساد واجب است بخصوص اگر ظالم تسلط بر جان و ناموس مسلمانان داشته باشد. خداوند به وجوب مبارزه با ظلم و تجاوز و دفاع از مظلوم در چندین آیه اشاره فرموده است. در مورد لزوم پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم در قرآن کریم می فرماید: « قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا ذُو الْقَرْنَيْنِ به آن قوم گفت: اما هر کس (از شما) ظلم و ستم کرده او را به کیفر خواهیم رسانید و سپس هم که (بعد از مرگ) به سوی خدا بازگردد خدا او را به عذابی بسیار سخت کیفر خواهد کرد (کهف / ۸۷). غصب اسرائیل مصداق اصلی قاعده نفی سبیل است لذا لزوم مبارزه با آن کاملاً مشخص است. ولی در عرصه بین الملل و متاسفانه کشورهای مسلمان بخاطر دلایل موهوم درباره مبارزه با این کشور غاصب سکوت شده است. امام خمینی (ره) در ابتدای تشکیل حکومت نیز به عنوان یکی از اهداف نظام، قطع رابطه با اسرائیل را سر لوحه قرار دادند در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۷ در جواب سوال از ارتباط با یاسر عرفات و بحران خاورمیانه فرمودند « این امر مربوط به دولت آتیه است و من فعلاً نمی توانم در این باره اظهار نظر کنم. البته به محض آمدن یک حکومت مردمی روی کار، با اسرائیل قطع رابطه خواهیم کرد چون غاصب است. اسرائیل حقوق مردم عرب را غصب کرده است ما با او مخالفت خواهیم کرد» (داستانی بیرکی، ۱۳۷۸، ۹۶).

امام خمینی (ره) با خطاب قرار دادن اسرائیل به جرثومه فساد، دشمن سرسخت اسلام، اسرائیل خطر جدی، اسرائیل غاصب و.. انزجار خود را از این حکومت و دولت نشان دادند. ایشان با نامگذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام قدس این پیام را به جهانیان مخابره کردند که مبارزه با فساد و غصب باید در رأس امور کشورها باشد.

کشورهای عربی به بهانه اینکه بحران فلسطین خارج از مرزهای جغرافیایی آن کشورهاست در مورد دفاع از فلسطین سکوت کرده اند حتی برخی کشورها مثل مصر و لیبی و مراکش با اسرائیل رابطه صلح آمیز برقرار کردند. غافل از اینکه علاوه بر اتحاد جهان اسلام و برابری و برادری دینی اگر قدرتی به

مرزهای کشور اسلامی تجاوز کند برای همه جهان اسلام خطری بزرگ است. در همین راستا امام خمینی (ره) بر اتحاد جهان اسلام تأکید داشتند ایشان ضمن محکومیت کنفرانس مراکش و بیان خیانت سران مصر به اسلام با عنوان انور سادات مطرود جهان اسلام در کمپ دیوید را فریب سیاسی می‌دانستند و اسلام انور سادات را در جریان صلح با اسرائیل را اسلامی مخالف با نص صریح (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّهُ يُجْعَلُ لَكُمْ سُلْطَانًا مُبِينٌ) ای اهل ایمان، مبدا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید! آیا می‌خواهید برای خدا بر (عقاب و کفر و عصیان) خود حجتی آشکار قرار دهید (نساء آیه ۱۴۴: «...») می‌دانستند (داستانی بیرکی ۱۳۷۸، ۲۵۰ تا ۲۶۰). همچنین آل سعود که خود را بازیچه امریکا و اسرائیل کرده با به شقی ترین جانیان عصر تعبیر فرمودند (داستانی بیرکی ۱۳۷۸، ۲۳۰) پیام برائت در سال ۶۶ و کشتار حجاج به دست رژیم آل سعود، که یکی از محورهای اصلی پیام امام خمینی (ره) مبارزه با اسرائیل و حمایت از فلسطین بود. امام خمینی (ره) حماسه‌ی اسلامی فلسطین را میوه برائت از مشرکین در حج تعبیر کردند (انتشارات مرکز اسناد اسلامی، ۱۴۰۰)

## ۷- دیدگاه امام خمینی (ره) در قانون اساسی طبق قاعده نفی سبیل

قانون اساسی معتبرترین سندی است نمایانگر اندیشه امام خمینی (ره) و دستورالعمل کلی نظام است عدم استیلا بر طبق قاعده، در دویخس نظامی و اقتصادی متصور است. دو اصل مهم در قانون اساسی وجود دارد که به صورت کلی هر گونه سلطه را نفی میکند:

۱- «نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (بند ج اصل ۲)

۲- «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» (بند ۵ اصل ۵)

## ۱-۷- اصل استقلال و تمامیت ارضی:

حفظ دارالاسلام در مقابل دارالکفر و یا حفظ دارالقری اسلامی هدف اصلی در بعد سیاست خارجی است امام خمینی (ره) در مورد حفظ تمامیت ارضی کشور تصریح می‌کند: «از باب اینکه تابع اسلام هستیم و قراردادهایی که با سایر کشورها منعقد شده است محترم می‌شماریم هرگز بنای این مطلب را نداریم که حتی یک وجب ... (از خاک کشوری) تعدی کنیم و حتی یک وجب از زمین خودمان را نخواهیم داد» (امام خمینی ۱۳۷۸، ج ۱۴/ ۸۳) در جنگ تحمیلی نیز امام خمینی (ره) به کرات بر اصل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تأکید کردند «برای حفظ مملکت اسلامی دفاع باید بکنیم

... دفاع از کشور یکی از واجبات است ( امام خمینی ، ۱۳۷۸ ، ج ۱۵ / ۱۱۷ ) . ما ایستاده ایم در دفاع از کشور خودمان و دفاع از اسلام عزیز در مقابل هر مهاجم. مهاجم می خواهد ابر قدرت باشد می خواهد قدرت کم ( داشته باشد ) ؛ فرقی در نظر ما نیست و هیچ هراسی نداریم . » ( امام خمینی ۱۳۷۸ ، ج ۱۷ / ۴۰۲ )

سرزمین یا قلمرو یک دولت عبارتست از قسمتی از دریا و زمین و هوا که در محدوده آن دولت قرار می گیرد بدون داشتن قلمرو معین هرگز دولتی تشکیل نمی گردد ( وفادار ، ۱۳۷۴ ، ۲۳۰ ) استقلال و تمامیت ارضی امروزه به عنوان یک مفهوم جهانی مورد توجه قرار گرفته است در این خصوص ، بند ۴ ماه ۲ منشور ملل متحد ، برای تعقیب مقاصد صلح جویانه جهانی اعلام می دارد : « کلیه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی استقلال سیاسی هر کشور خودداری خواهند نمود » مسئله حفظ تمامیت ارضی همیشه مورد توجه افراد ملت است و مردم نسبت به آن حساسیت زیادی دارند. قانون اساسی استقلال همه جانبه کشور را در ردیف اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرده و در اصول متعدد ، آن را مورد توجه قرار داده است. ( هاشمی ، ۱۳۸۶ ، ۱۸۳ )

۱- در اصل ۱۴۳ آمده است: « ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد. »

این اصل برای ارتش وظایف دوگانه ای را قائل شده است :

۱-۱ - پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور : به استقلال کشور به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر باید توجه نمود ( اصل نهم قانون اساسی ) ..... قانون اساسی پاسداری از این استقلال را بر عهده ارتش قرار داده است تا بر اساس ضوابط مقرر انجام وظیفه نماید . ماده ۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریتها و وظایف ارتش را به صورت مشروح بیان نموده است که اهم آنها در ارتباط با استقلال و تمامیت ارضی به ترتیب ذیل ذکر می کنیم :

۱-۱-۱ - آمادگی و مقابله در برابر هرگونه تجاوز نظامی علیه استقلال و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و منافع کشور ( بند الف )

۱-۱-۲ - سازماندهی ، آموزش ، تجهیز و گسترش نیروهای زمینی ، هوایی و دریایی متناسب با امکانات و تهدیدات برای انجام مأموریتهای محوله ( بند ه )



۱-۳- آماده نمودن مردم برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قانون خدمت وظیفه عمومی (بند ز).

۱-۴- اقدامات لازم در جهت نیل به خودکفایی در کلیه زمینه‌ها از قبیل صنعتی، آموزشی، تدارکاتی، اطلاعاتی و سازماندهی (بند ط).

۱-۵- اقدامات لازم در زمینه کسب اطلاع از اوضاع و احوال، رویدادها و تحولات سیاسی و نظامی آشکار و نهان منطقه<sup>۱۳</sup>ی و جهانی و ارزیابی مستمر تهدیدات و توان رزمی دشمنان بالفعل و بالقوه (بند ی)

۱-۲ پاسداری از نظام جمهوری اسلامی: نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به اصول دین و همچنین کرامت و ارزش والای انسانی تأسیس یافته است ..... لطمه و صدمه به هر یک از این اصول نظام را آسیب پذیر می‌نماید و هرگاه موقعیت این اصول مذکور در خطر افتد ارتش به عنوان پاسدار نظام خود را ناگزیر از مداخله می‌بیند و واقعیت امر چنین تکلیفی را برای ارتش ایجاب نمی‌کند. اما چون آزادی، حاکمیت ملی، حاکمیت اسلام و غیر آن، صرفاً در یک کشور مستقل و مطمئن در نتیجه‌ی استحکام حدود و ثغور مرزهای اسلامی امکان‌پذیر است، پس پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی به منزله پاسداری از نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود (ر، ک، هاشمی، ۱۳۸۶، ۳۴۹ تا ۳۵۱).

۲- در اصل ۱۴۴، با بنیادگذاری ارتش بر مبنای مکتب و مردم، آن را از وابستگی به منافع فردی خارج و مقرر می‌دارد:

«ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افراد شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند»

امام خمینی در ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ ضمن پیامی به ارتش چنین فرمودند: «من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم گیرندگان دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعه تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به سوی خودکفایی نظامی غفلت نکنند ..... غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و در نهایت تحمیل جنگ‌ها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.

۳- در بند ۶ چنین آمده است «تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» (بند ۶ اصل ۵)

در ارتباط با این اصل ، ماده ۶ ق. ارتش جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۶/۷/۷) اصول و ویژگی های اساسی نیروهای مسلح را بیان میکند :

در این ماده به اسلامی بودن ، ولائی بودن (وحدت فرماندهی ) ، خودکفایی ، انضباط ، سادگی و اقتدار و تدافعی بودن اشاره شده است.

ارتش پاسدار استقلال کشور در برابر بیگانگان می باشد. بنابراین ، در درجه اول باید از وابستگی به بیگانگان بی نیاز باشد تا با اعتماد به امکانات لازم و کافی داخلی ایفاء وظیفه نماید . تأمین اسلحه و جنگ افزار ، تربیت کادر متخصص ، ریزنی نظامی و سازماندهی ارتش توسط بیگانگان نیروهای مسلح را وابسته می کند . بدیهی است اینگونه وابستگی ها توانایی ارتش و سایر نیروهای مسلح را در دفاع از استقلال کشور مورد تهدید قرار می دهد . با توجه به سوابق وابستگی ارتش در نظام گذشته، قانون اساسی « تأمین خودکفایی در .... امور نظامی » را یکی از وظایف دولت مقرر داشته است . قانون ارتش نیز بر این مورد امر نموده است که :

«نیروهای مسلح با بهره گیری از تمامی توان خود در جهت رسیدن به خودکفایی در کلیه زمینه ها از قبیل سازماندهی ، آموزشی ، تدارکاتی ، اطلاعاتی و صنعتی تلاش نمایند . بند د » ( ر ، ک ، هاشمی ، ۱۳۸۶، ۳۴۷ تا ۳۴۹ ) .

در نظریه تفسیری شورای نگهبان در مورد استخدام و چگونگی انجام خدمت وظیفه اقلیت های مذهبی ایرانی چنین آمده است که « در استخدام برای نیروهای مسلح طبق اصل ۱۴۴ ، افراد مؤمن و مکتبی به اهداف انقلاب باید استخدام شوند و نسبت به خدمت وظیفه اقلیت ها از جهت قانون منعی نیست . هر نوع که وضع ارتش و مصالح عالی آن اقتضا دارد اقدام نمایید » (فتحی ، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷، ۲۸۴) .

با توجه به این نظریه می توان گفت علاوه بر اینکه استخدام غیر ایرانی در ارتش و نیروی دفاعی ممنوع است استخدام دیگر اقلیت ها نیز تابع مصالح و اقتضای زمان است و باید محدودیت ها رعایت شود .

۴ -در اصل ۱۵۱ ، با تکیه بر آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه» بر روی لزوم رسیدن به خودکفایی نظامی و رزمی تأکید شده است. « یکی از اقدامات تأمین کننده استقلال و تمامیت ارضی کشور، تقویت کامل بنیه دفاعی و نظامی کشور است. کشور ما با توجه به موقعیت حساس سیاسی و جغرافیایی،

نمی‌تواند نسبت به توان نظامی و دفاعی خود بی‌توجه باشد. قرآن کریم در یک دستور راهبردی می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...» بر اساس این اصل قرآنی، مسلمانان موظفند تا از جهت تجهیزات نظامی خود را چنان تقویت کنند که دشمن نسبت به آنها احساس هراس کند و هوس حمله به آنها را در سرنپروراند.

از این گذشته حکومت باید به همه افراد کشور آموزش نظامی دهد تا بتواند در مواقع لزوم از نیروهای مردمی جهت دفاع از استقلال و تمامیت کشور استفاده کند. تشکیل نیروی بسیج بیست میلیونی با دستور امام خمینی (قدس سره) و تقویت آن در همین راستا بوده است که ثمرات گرانقدر و ارزشمند آن در هشت سال دفاع مقدس به خوبی مشاهده شد.

۵- در اصل ۱۴۵، آمده است: «هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.»

در اجرای این اصل ق. ارتش جمهوری اسلامی برای کادر ثابت و پیمانی، و قانون مقررات استخدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای استخدام کادر ثابت، شرط تابعیت جمهوری اسلامی ایران را پیش‌بینی کرده است. (بند ب ماده ۲۹ ق. ارتش مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده ۱۲ ق. مقررات سپاه مصوب ۱۳۶۶/۷/۷). (هاشمی، ۱۳۸۶، ۳۴۷)

در نظریه تفسیری شورای نگهبان حالت استثناء، ولی موقتی ذکر شده است و در صورت حالت خاص و باتصویب قانون می‌توان از نیروی خارجی استفاده کرد «کارشناسان خارجی و استفاده از تخصص آنان به طور موقت در ارتش، عضویت که در اصل ۱۴۵ ق. ممنوع شده، محسوب نمی‌گردد. طبیعی است طبق اصل ۱۸۳ قانون مزبور، استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است» (فتحی، کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷، ۲۸۵).

۶- در اصل ۱۴۶، آمده است: «استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است»

برطبق این دوماه قانونی اتباع کشورهای بیگانه می‌توانند از حقوق مدنی بهره‌مند شوند ولی از حقوق سیاسی محروم می‌شوند. اتباع بیگانه که در یک کشور اقامت دارند اصولاً از تمام حقوق و مزایای که در قانون مدنی آن کشور برای افراد ملی مقرر است بهره‌مند می‌گردند و می‌توانند به تجارت بپردازند و یا در دادگاه به عنوان مدعی یا مدعی علیه حاضر شوند ولی نمی‌توانند به عضویت مجلس درآیند یا در

ارتش و استحکامات نظامی و امنیتی مشغول شوند ( وفادار ، ۱۳۷۴ ، ۲۳۸ ) .

۷- در اصل ۷۸ هرگونه تغییر خطوط مرزی ممنوع است . مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند . و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد .

تغییر مذکور از جهت کمی و کیفی ، باید متعادل باشد ، بدین معنی که هم از نظر مساحت ، مبادله عادلانه صورت گیرد و هم اینکه قسمت های مبادله شده یکی بر دیگری امتیازی نداشته باشد . ( وفادار ، ۱۳۷۴ ، ۱۸۴ ) .

۸ - در اصل ۱۲۱ ، در سوگند نامه رئیس جمهور بر تلاش پیگیر برای حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور سوگند یاد شده است .

۹ - در اصل ۶۷ ، در سوگندنامه نمایندگان مجلس به صورت مؤکد بر دفاع از استقلال کشور تصریح شده است .

رئیس جمهور به موجب اصل ۱۳ نه تنها مسئولیت و ریاست قوه مجریه را برعهده دارد مسئول اجرای قانون اساسی است و تعیین خط مشی دولت بر عهده اوست و این خود می تواند دلیل سوگند او بر حفظ استقلال باشد . همچنین بر طبق اصل ۱۲۵ سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می شوند و استوارنامه های سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد و اصل ۱۲۸ نیز بیان می کند. امضای عهدنامه ها و مقاوله ها و موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت ها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست .

رئیس جمهور چهره نظام و نماینده رسمی در خارج از کشور است ، زیرا معنی حقوقی و مفهوم سیاسی ریاست قوه مجریه « عالی ترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری » است . از این رو مکاتبات و مذاکرات و مسافرت های که در سطح سران بین ایران و سایر کشورها صورت می گیرد بر عهده رئیس جمهور است ( عمیدزنجانی ، ۱۳۸۵ ، ۳۴۰ ) حاصل این که چگونگی رفتار و منش سیاسی رئیس جمهور تأثیر مستقیمی بر زندگی آحاد جامعه داشته و می تواند شرایط سلطه و یا عدم سلطه را زمینه سازی کند دو اصل ۱۲۵ و ۱۲۸ شاید ارتباطی با قاعده نفی سبیل نداشته باشد ازطرفی چون در حیطه اختیارات رئیس جمهور است ، وی می تواند با ورود سفرای کشور معاند موافقت نموده و سلطه اقتصادی و فرهنگی

را منتج شود و یا با عدم پذیرش این خطر، را دفع نماید همان گونه که در تجربه عینی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا راه نفوذ استعمارگر جهانی بر کشور مسدود شده است . .

۱۰ - در اصل ۱۵۲، که مربوط به سیاست خارجی است آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دول غیرمحارب استوار است»

توجه اصلی به استقلال کشور و همچنین حقوق و آزادی های مردم از مباحث اصلی حقوق اساسی به شمار می‌رود معاهده بین الملل سند حقوقی است که بین دولت حاکم و بیگانگان تنظیم و منعقد می‌شود که در آن، دلوایی در خطر قرار گرفتن کمنافع ملی و استقلال کشور همواره و قویاً محتمل است . سیاست خارجی از طریق معاهدات بین‌المللی تنظیم می‌گردد و در این راه، چه بسا ممکن است که وابستگی‌های حقارت آمیز برای کشور ایجاد شود بدین خاطر، برای حفظ استقلال، احتراز از سلطه بیگانگان و تضمین حقوق و منافع ملی دقت و اهتمام فراوان لازم می‌آید . نظارت دقیق و آگاهانه پارلمان بر اعمال بین‌المللی قوه مجریه یکی از مفاهیم جدی حقوق اساسی در نظام های پارلمانی و گاهی ریاستی به شمار می‌رود . سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی سلطه بیگانگان و حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور می‌باشد که در اصل ۱۵۲ و ۱۵۳ به صراحتا مورد تأکید قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۷۸)

## ۷-۲- حوزه اقتصادی

از نظر فقهایی شیعه و امامیه قرارداد کار تابع احکام کلی عقود و معاملات است و در کتاب رسالات فقهی مورد بررسی قرار گرفته است (شعبان‌نیامصورو همکاران، ۱۴۰۴) یعنی در صورت انعقاد قرارداد برای طرفین الزام‌آور است اما با توجه به قاعده نفی سبیل و دیدگاه امام خمینی (ره) پابندی به قراردادها به معنای تعهد به هر قراردادی نیست بلکه امام خمینی (ره) بارها به عدم وابستگی اقتصادی تصریح کرده‌اند و اصلاحات ارضی از جانب آمریکا را زمینه‌ای برای بازار مصرف شدن ایران می‌دانستند: «اصلاحات ارضی به امر دولت امریکا بود برای اینکه بازار درست کند که چیزهای آنها به فروش برود؛ یعنی زراعت ما به هم بخورد ما محتاج بشویم . الان هم که می‌بیند که هر چی می‌خواهیم از خارج باید بیاید . زراعت ما این جور شد؛ آن زارعین بیچاره ای که دیگر نتوانستند زندگی کنند ریختند به شهرها،

به تهران. (تبیان موضوعی دفتر چهلیم، ۱۳۹۳؛ ۳۲).

۱- «تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» (بند ۱۲ اصل ۵)

یکی از عوامل نفوذ اجانب و سلطه بیگانگان، فقر و نیاز و ضعف یک کشور در زمینه اقتصادی و علوم و فنون و صنعت کشاورزی است. نابرابری کشورها در این زمینه‌ها، همواره رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به همراه داشته است. در این روند، کشورهای توسعه نیافته (جهان سوم) در مقابل کشورهای قوی و توسعه یافته، وضع شکننده و غیر مطمئنی دارند و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنها قادر به رقابت نیستند. این شکنندگی طبعاً وابستگی را به دنبال می‌آورد.

امروزه اقتصاد و علوم و فنون و صنایع و کشاورزی، نقش بسیار مهمی در زمینه استقلال یا وابستگی یک کشور بازی می‌کند؛ زیرا این امور از نیازمندی‌های روزمره جوامع بشری است. اگر جامعه‌ای در این زمینه‌ها به خودکفایی رسیده باشد، بدون وابستگی و اتکای به دیگران، می‌تواند نیاز خود را برآورده کند و گرنه برای تحصیل آنها، چاره‌ای جز وابستگی و تن دادن به سلطه بیگانه ندارد. خودکفایی و خوداتکایی فضیلتی است که قبل از هر چیز باید در باور و ذهنیت افراد یک جامعه پدیدار گردد تا در عرصه عمل و عینیت آثار و برکات خود را نشان دهد.

۲- در اصل ۴۳ بر استقلال و خودکفایی اقتصادی و رهایی از وابستگی و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور تأکید شده است.

۳- طبق اصل ۸۱، دادن امتیاز شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است.

با توجه به مراتبی چون ایقاعات و تصمیمات یک جانبه که عمل حاکمیت نامیده می‌شود، قراردادهای اداری، قرارداد مقاطعه و قرار داد امتیاز در تفسیر اصل هشتاد و یکم قانون اساسی ممنوعیت مطلق صرفاً متوجه «دادن امتیاز» در معنای حقیقی کلمه است بدین معنی که تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات فقط از طریق اعطای امتیاز و (انحصار) باید ممنوع باشد اگر ممنوعیت مطلق را شامل همه شرکتهای خارجی به هر عنوان و هر نوع (حتی به صورت مقاطعه بدانیم در حالی که امکان داخلی و دولتی در کشور وجود نداشته باشد امکان هر گونه سازندگی از بین خواهد رفت فلذا دولت می‌تواند نه از طریق اعطای امتیاز، بلکه از طریق سایر قرار

دادها (نظیر مقاطعه) و با استفاده از شیوه‌های رقابت و مزایده و مناقصه، ابتکار عمل در تنظیم قرار دادهای مقرون به صرفه ولو با خارجی‌ان را داشته باشد تا از این طریق، هم عمران و آبادانی کشور دچار رکود نشود، و هم آن‌که با مراقبت تمام منافع جامعه محفوظ گردد (ر، ک، هاشمی ۱۳۹۸، ۱۹۵ تا ۱۹۸).. قراردادهای بین‌المللی یکی از راه‌های عمده نفوذ اجانب به یک کشور است. متأسفانه تاریخ کشور ما در دو قرن اخیر در معرض تاخت و تاز بیگانگان از راه قراردادهای استعماری بوده است. دخالت‌های برخی از کشورها، به خصوص انگلیس و روس در کشور ما لکه ننگی است که در تاریخ گذشته ما به وفور مشاهده می‌شود. کشور ما به خاطر همسایگی با امپراطوری‌های روس و عثمانی و مجاورت با هندوستان به عنوان مستعمره انگلیس، همواره در معرض رقابت‌های استعماری و مداخلات دولت‌های بزرگ بوده است. علاوه بر جدا شدن قسمت‌های مهمی از سرزمین مقدس کشور ما در دوران قاجار (مانند تمامی گرجستان و قسمت مهمی از قفقازیه از جمله دربند، باکو، شیروان، شکی، گنجه و قراباغ و قسمتی از طالش و محرومیت از کشتیرانی در دریای خزر به موجب عهدنامه گلستان و بقیه قفقاز تا رود ارس و قسمت عمده دشت مغان و بندر لنکران به موجب عهدنامه ترکمانچای) و واگذاری آنها به روسیه، انعقاد قراردادهای واگذاری امتیاز (قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دولت ایران مجموعاً ۳۲ موافقت نامه در مورد واگذاری امتیازات گوناگون با کشورهای بیگانه امضاء کرده بود که از آن میان دوازده امتیاز سهم روسیه تزاری، چهارده امتیاز سهم انگلستان و شانزده امتیاز متعلق به دولت آلمان بود) و تقسیم آن به مناطق نفوذ روس و انگلیس، کشور ما عملاً تحت سلطه بیگانگان بوده است. (هاشمی، ۱۳۹۸، ج ۱/ ۴۰۰)

۴-طبق اصل ۸۲، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است. مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی

اصل بر ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی برای دولت است برای این ممنوعیت دلایل سیاسی، امنیتی و شغلی را قائل شد:

الف) از نظر سیاسی، استخدام اتباع خارجی بستگی به کیفیت روابط سیاسی کشور با کشور موطن کارشناس دارد.

ب) از نظر امنیتی نشان داده است که دولت‌های بیگانه با اعزام جاسوسان خود تحت پوشش کارشناس، زمینه نفوذ و اقتدار خود را بر کشور مورد نظر فراهم می‌کنند.

ج) از نظر اشتغال باید توجه داشت که در استفاده از کارشناس متخصص، اولویت با اهالی کشور است و در صورت وجود ایرانی متخصص و کارشناس، استخدام کارشناسان خارجی باید ممنوع باشد (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۹۲)

... در اصل ۷۷، بر لزوم تصویب تمام عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از جانب مجلس شورای اسلامی تصریح شده است. و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست.

در عبارت این اصل، ضرورت تصویب هر نوع معاهده بین دولت ایران و سایر دولت‌ها در مجلس، در ظاهر راه را بر هرگونه استثنا بسته است به عبارت دیگر، می‌توان از صراحت مذکور چنین استنباط نمود که کلیه توافق‌های بین‌المللی رسمی بوده و توافق ساده‌ای متصور نیست. البته سخت‌گیری قانون اساسی را در این خصوص می‌توان ناشی از دلایل سیاسی و سابقه قراردادهای زیانباری دانست که در نظام گذشته به کرات انعقاد یافته بوده است (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۸۰).

امام خمینی (ره) بر لزوم اداره مملکت با خود ملت تأکید ویژه‌ای داشتند: «همین ملتی که یک همچو نهضتی کرد و یک همچو پیروزی برایش حاصل شد، باید این مملکت را خود ملت اداره کند هر کس به هر اندازه ای که می‌تواند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ج ۸ / ۴۹۸)

... در اصل ۱۵۳ آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شوئون کشور گردد ممنوع است.»

مفهوم «بیگانه» در علم حقوق، به معنای کسانی است که تابعیت کشوری را ندارند، اعم از آنکه ساکن آن کشور باشند یا نباشند و در مفهوم اسلامی، «بیگانه» به معنای غیرمسلم است، اعم از اینکه ایرانی باشد یا نباشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۴؛ نصیری، ۱۳۹۰: ۸۹) به استناد ذیل اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مفهوم دوم از بیگانه را باید پذیرفت. بنابراین، به استناد بند ج - ۶ از اصل ۲ و اصول ۸۱ و ۸۲ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۵۴، محدودیت‌هایی برای کفار و بویژه کفار کشورهای خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شده است که با اساس قاعده نفی سیبل کفار، سازگاری کامل دارد. یکی از راه‌های نفوذ بیگانگان بر کشور، راه‌یابی مأموران خارجی به نام کارشناسان و مستشاران در مراکز مهم نظامی و اقتصادی و... است. امروزه آمریکا در برخی از کشورها از همین طریق نفوذ خود را تثبیت کرده است. نمونه روشن آن، سلطه آمریکا بر کشور ما از جهات مختلف



سیاسی، اقتصادی و نظامی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا زمان انقلاب اسلامی از طریق حضور هزاران مستشار نظامی و غیر نظامی است .

اشاره به این نکته لازم به نظر می‌رسد که عنصر مذهب در تعیین متصدیان امور در دیدگاه امام خمینی (ره) از اهمیت بالایی برخوردار بوده است ایشان عدالت و علم به قانون را از شروط اساسی رهبر و زمامدار می‌داند و برای تزکیه و تهذیب ارزش والایی را قائل است ، تهذیب در نگاه امام خمینی (ره) یعنی « غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره خود و آنها را در تحت فرمان خالق قرار دادن ، و مملکت را از لوث قوای شیطان و جنود آن خالی نمودن » ( امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۵ ، ۶ ) ایشان شرط زمامدار را چنین عنوان می‌کند « زمامدار باید از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار بوده و عادل باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد ..... زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین و اخذ مالیاتها و روابط با سایرین ، عادلانه رفتار نخواهد کرد و ممکن است اعوان و انصار خود را صرف اغراض شخصی و هوسرانی کند ..... ( امام خمینی (ره) ، ۱۴۲۱ ، ص ۵۸ تا ۶۱ ) علم به قانون نیز چون حکومت اسلام را حکومت قانون می‌دانست نه فقط زمامدار بلکه همه افراد ، هرشغل یا هر وظیفه و مقامی داشته باشد علم به قانون ضرورت دارد ( ر ک ، امام خمینی ، ۱۳۷۰ ، ج ۲۱ / ۳۲۱ )

## ۸- نتیجه

قاعده نفی سبیل حاوی یک فلسفه بنیادین حکمرانی و مبنای اصیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این اصل را می‌توان مبنای تمام قانون اساسی و سیاستگذاری در نظام جمهوری اسلامی دانست که با الهام از اسلام ناب محمدی و اندیشه امام خمینی (ره) ایجاد شده است. بنابراین باید گفت این اصل حاکم بر تمام اصول قانون اساسی و مبنای تفسیر این قانون است. تنظیم روابط بین الملل و شیوه تعامل با کشورهای غیر مسلمان، سیاستگذاری داخلی در عرصه فرهنگ و ساحت اقتصاد نظام اجتماعی باید بر اساس نفی سبیل باشد. قانون اساسی نیز در اصول گوناگونی تضمین این قاعده بنیادین را منظور داشته است .

طبق اندیشه امام خمینی (ره) توجه به این قاعده نه تنها موجب انزوای سیاسی و بین المللی نمی‌گردد؛ بلکه موجب اعلام موجودیت مستقل اسلامی اصیل صیانت از هویت دینی نظام اسلامی در جهان خواهد شد. لذا تساهل نسبت به قاعده نفی سبیل، در پرتو مصلحت اندیشی‌های مادی و مقطعی موجب زوال هویت دینی و تهی شدن محتوای نظام از گوهر ناب اسلامی خواهد شد. تجربه عملی و سیره امام

خمینی نیز گواه راستینی بر صحت این نگرش است.

قاعده‌ی نفی سیل، مانع تعامل مبتنی بر احترام متقابل و روابط تجاری، بهره‌مندی از تجارب ارزنده بشری در عرصه‌های گوناگون علمی و فناوری نیست؛ بلکه هدایتگر روابط همه جانبه نظام اسلامی خواهد بود که راه نیل به استقلال و خودکفایی را نیز فراهم می‌نماید.

منابع

کتاب

\*\*قران کریم

منابع فارسی

۱. بجنوردی، سید محمد موسوی. (۱۴۰۱ ق) قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج،
۲. بجنوردی، سید حسن موسوی. (۱۳۸۹) القواعد الفقهیه، قم: اسماعیلیان،
۳. توحیدی، محمدعلی. (۱۴۱۷ ق) مصباح الفقاهه (تقریرات درس آیت ا... خویی)، قم: مؤسسه انصاریان، چاپ چهارم،
۴. تهرانی، سید محمد حسین حسینی (۱۴۲۱)، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی،
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش ،
۶. خامنه ای ، سید علی ، ۱۳۸۸، درس خارج فقه ، کتاب جهاد، تهران ، دفتر حفظ و نشر آثار ، نسخه قابل چاپ ۱۳۹۳.
۷. خراسانی ، محمد کاظم ، بی تا ، لوح فشرده مجموعه آثار آخوند ، تهیه شده توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری تحقیقات اسلامی نور.
۸. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۰) صحیفه نور تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد. .
۹. خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۳۸۷) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام.
۱۰. داستانی بیرانکی ، علی ، (۱۳۸۷) جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره) ، تهران ، تبیان آثار موضوعی.
- ۱۱- شعبان نیامصور، بهبودیان، بهروز، زنگنه ابراهیمی، علیرضا (۱۴۰۴) قواعد آمره در قراردادکار و جایگاه

آن در حقوق ایران و فقه امامیه، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۲۱، شماره ۷۹، بهار ۱۴۰۴، ۸۹-۱۰۸

۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۴ق)، تکمله العروه الوثقی، قم، مکتبه الداوری.
۱۳. -عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۵) حقوق اساسی ایران شامل: دوره باستان، دوره اسلامی، مشروطه و جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات بازنگری ۱۳۶۸، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. فوزی، یحیی، (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم، دفتر نشر معارف.
۱۵. -فتحی، محمد، کوهی اصفهانی، کاظم، (۱۳۹۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظریات تفسیری شورای نگهبان، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۶. -لنکرانی، محمد فاضل موحد. (۱۴۱۶ق) القواعد الفقهیه، قم: چاپ مهر.
۱۷. -محقق داماد، سید مصطفی یزدی، (۱۴۰۶ق) قواعد فقه، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

۱۸. -مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی.
۱۹. -نصیری، محمد، (۱۳۹۰) حقوق بین الملل خصوصی، تهران نشر آگه.
۲۰. -نظرپور، مهدی و وفا جعفر. (۱۳۸۲) آشنایی با نظام سیاسی اسلام، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.

۲۱. -وفادار، علی (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، تهران، شروین،
۲۲. -هاشمی، سید محمد (۱۳۹۸ و ۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، میزان.

منابع عربی

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: انتشارات دار صادر،
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ اعظم) (۱۴۱۸)، کتاب المکاسب، قم: مؤسسه الهادی، چاپ اول
۳. ایروانی، باقر. (۱۴۱۸ق). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، قم: انوار الهدی،
۴. خمینی، سید روح الله موسوی. (بی تا) تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم،
۵. خمینی، سید روح الله موسوی. (۱۳۷۹) کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. راغب الاصفهانی، ابی القاسم حسین ابن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: انتشارات دارالقلم

۷. طباطبائی، علامه محمدحسین. (۱۳۸۶) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی،.
  ۸. طبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۱۲ق)، تفسیر الطبری، بیروت، دارالمعرفه، بیروت.
  ۹. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه آیة الله مرعشی،.
  ۱۰. طوسی، محمد حسن، (بی تا)، تبیان فی تفسیر قرآن، دارالاحیاء التراث العربیه،
  ۱۱. عاملی، محمد بن حسن حر، (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)،.
  ۱۲. -مراغی، سید میر عبدالفتاح. (۱۴۱۸ق)، العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول،.
  ۱۳. -مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۸) زبدة البیان فی براهین احکام القرآن، قم: انتشارات مؤمنین.
  ۱۴. -مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق) القواعد الفقهیة، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)،.
  ۱۵. -قیومی، أحمد بن محمد المقرئ (۱۴۱۸)، المصباح المنیر، بیروت: انتشارات المکتبه العصریه،.
  ۱۶. نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱ م) جواهر الکلام= بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی،.
- مقالات
- ۱ -احمدوند، محسن؛ قبولی محمد تقی؛ فحعلی، محمد تقی، تابستان ۱۳۹۵، «نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت سنجی آن با اصل عدالت در روابط بین الملل»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، ش اول، ۱۲۳ تا ۱۵۱
  - ۲ -جعفری هرنندی، محمد، ۱۳۸۴، «قاعده نفی سبیل و کاربرد آن در روابط بین الملل»، مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق واحد بابل، ۶۶ تا ۷۵.
  - ۳ -امام خمینی و انتفاضه فلسطین، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اردیبهشت ۱۴۰۰.